



حضرت آیت الله جوادی آملی

امید به آینده؛ ویژگی بزرگ مؤمنان

تهیه و تنظیم: حجت الاسلام والمسلمین مصطفی پور

يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (۵) یعنی ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هر کس از شما از آیین خود بازگردد خدای سبحان، جمعیتی را می‌آورد که آنها را دوست دارد و آنان نیز او را دوست دارند و در برابر مؤمنان متواضع و در برابر کافران سرسخت و نیرومندند. آنها در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری باکی ندارند. این فضل خداست که به هر کس بخواهد می‌دهد و فضل خدا وسیع و خداوند داناست. این آیه به عنوان یک قاعده و قانون کلی می‌گوید اگر کسانی از مسلمانان از دین خدا بیرون روند، زبانی به خدا و دین و آیین او و خللی به جامعه مسلمان وارد نمی‌کنند، چرا که خدا در آینده جمعیتی را برای حمایت از این آیین الهی برمی‌انگیزاند. در کنار منافقان کسانی قرار دارند که ایمان آنها سست و بدون محبت و شجاعت و شهامت هستند و خوی خودبرتربینی نسبت به مؤمنان واقعی دارند. این‌گونه افراد در طول تاریخ فراوان وجود داشته و دارند. با تغییر اوضاع، رنگ عوض می‌کنند و از دین باز می‌گردند، اما افرادی از این دست بدانند که با خروج آنان از دین خدا، دین الهی بی‌یار و مددکار نخواهد ماند بلکه خروج آنان دلیلی بر عدم برخوردارگی از توفیق الهی و در نتیجه محرومیت از فضل خداست و مؤمنان باید به این نکته توجه کنند و بدانند که خداوند در هر دوره‌ای از زمان، ذخایری دارد که به ایشان نعمت ایمان واقعی را تفضل کرده است و هم اینانند که از فضل الهی دارای محبت، شجاعت و شهامت و تواضع به افراد باایمان و نیرومند در برابر کافران هستند. کلمه «فَسَوْفَ» در آیه، بر آینده دلالت می‌کند.

به خدا ایمان ندارند و از رحمت خدا بی‌خبرند مایوس می‌شوند، اما انسان‌هایی که به قدرت خدا ایمان دارند یأس و ناامیدی را به خود راه نمی‌دهند. ناگفته نماند عامل امید، راهی برای کوشش و تحرک بیشتر است و گرنه امید به آینده به تنهایی و بدون بهره‌گیری از فرصت، نوعی بی‌فکری است. در واقع ارزش امید از آن جهت است که مقدمه عمل باشد و به اعمال انسان جهت دهد. اما اگر امید به عمل منجر نشود فاقد ارزش خواهد بود. در آموزه‌های اسلام، انسان باید همیشه به آینده امید داشته باشد حتی اگر فساد، همه عالم را فراگیرد. به او می‌گویند: ناامید نباش چرا که پایان شب سیه سفید است. تاریکی شب به پایان می‌رسد و سفیدی روز، خود را آشکار می‌سازد. حتی خدا به انسان گناهکاری که بر اثر کثرت گناهان قصد ادامه گناهان دارد چنین گوشه‌زد می‌کند: «لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذَّنُوبَ جَمِيعًا» (۳) از رحمت خدا مایوس نباشید چرا که خدا همه گناهان را مورد مغفرت و آمرزش قرار می‌دهد. در جای دیگر فرمود: «وَمَنْ يَقْنَطْ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ» (۴) جز گمراهان کسی از رحمت خدا مایوس نمی‌شود. با توجه به این مقدمه، روشن می‌شود که مؤمنان به دلیل ایمان به قدرت خدا و رحمت الهی هیچ‌گاه در برابر شکست‌ها و حوادث تلخ ناامید نمی‌شوند، بلکه حوادث تلخ را پلی برای پیروزی قرار می‌دهند. از این رو در قرآن خطاب به مؤمنان فرمود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ

اصل امید از نیازهای اساسی انسان در زندگی است به گونه‌ای که اگر امید، سست یا از آن حذف شود، ادامه زندگی برای او ناممکن می‌شود، زیرا امید، عامل تحرک و نشاط و موفقیت است و انسان بدون امید نمی‌تواند گام‌های تعیین‌کننده‌ای در حیات فردی و اجتماعی بردارد. از این رو پیامبر اعظم اسلام «ص» فرمود: «الامل رحمة للامتي ولو لا الامل ما وضعت والدها و لا غرس غارس شجراً» (۱) یعنی امید، رحمت خدا برای امت من است و اگر امید نباشد هیچ مادری فرزندش را شیر نمی‌دهد و هیچ درخت‌کاری اقدام به غرس درخت نمی‌کند. از این سخن معلوم می‌شود، بدون امید انجام هیچ کاری ممکن نیست. با اینکه مادر به فرزند به عنوان شیره جان می‌نگرد اما اگر امید به آینده نباشد از فرزند خود شیر را که عامل حیات اوست دریغ می‌دارد. امید از نعمت‌های پربرکت الهی است که در سایه آن شکست‌های انسان به عرصه تجربه برای موفقیت آینده تبدیل می‌شود. از این رو یعقوب پیامبر به فرزندانش می‌گوید: «يَا بَنِي! اذْهَبُوا فَتَحَسَّبُوا مِنْ يُوسُفَ وَأَخِيهِ وَلَا تَيَأَسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَأْسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ» (۲) یعنی پسرانم! بروید و به جست‌وجوی یوسف و برادرش بپردازید و هیچ‌گاه از رحمت الهی مایوس نشوید، زیرا تنها کافران از رحمتش مایوس می‌شوند. براساس این آیه، حضرت یعقوب سرلوحه خواسته‌هایش را جست‌وجوی یوسف و برادرش قرار می‌دهد و در حالی که فرزندان یعقوب تقریباً اطمینان داشتند یوسفی در کار نمانده است، به آنها گوشه‌زد می‌کند هیچ‌گاه از رحمت الهی مایوس نشوید زیرا قدرت او مافوق همه مشکلات است، زیرا کافرانی که

◆ امید تا آن اندازه در اسلام مهم شمرده شده است که
 پیامبر اعظم «ص» می‌فرماید: «الامل رحمة لامتني ولو لا الامل ما
 وضعت والدها و لا غرس غارس شجراً» یعنی امید، رحمت خدا
 برای امت من است و اگر امید نباشد هیچ مادری فرزندش را شیر
 نمی‌دهد و هیچ درخت‌کاری اقدام به غرس درخت نمی‌کند.



از این رو، از ظاهر آیه برمی آید که این گروه پس از نزول آیه، پس از ارتحال پیامبر اکرم «ص» می آیند، هر چند لازم نیست فقط بر کسانی که پس از رحلت پیامبر آمده اند تطبیق شود. بدین ترتیب هم افرادی که در زمان نزول آیه زندگی می کردند می توانند مصداق مرتدان باشند هم کسانی که پس از وفات آن حضرت مرتد می شوند. ولی قوم جایگزین حتماً باید پس از نزول آیه بیایند خواه افراد آن در زمان حیات پیامبر بوده باشند یا پس از رحلت وی به دنیا بیایند.

قومی هم که خدای سبحان آنها را می آورد، یاورانی واقعی هستند که برای نصرت و تثبیت دین الهی می آیند و منظور از آوردن، الزاماً آفریدن آنها نیست بلکه مراد برانگیختن آنهاست تا یاوران واقعی دین خدا باشند. این گروه که به یاری دین خدا برانگیخته می شوند به صورت قوم و دسته جمعی و دارای اوصاف ویژه هستند. یعنی همه افرادی که دارای این اوصاف پنجگانه اند و بعد از نزول آیه به دنیا آمده و از دین الهی حمایت کرده اند از جمله حرکت های انقلابی اسلامی در ایران و کشورهای دیگر را شامل می شود، ولی مصداق کامل آن، هنگام ظهور حضرت مهدی «عجل الله تعالی فرجه الشریف» است.

اوصاف یاوران دین خدا

خدای سبحان برای یاوران دین خدا در آیه مورد بحث، پنج ویژگی آورده است. این صفات پنجگانه رابطه شخص با خدای متعال، ارتباط او با جامعه انسانی و رابطه اش را با مکتب بیان می کند که به تفصیل بیان می شود.

۱. محبوب و محب خدا بودن

یاوران دین خدا کسانی هستند که خدا آنها را دوست دارد و آنان نیز خدای سبحان را دوست دارند (یحبهم و یحبونه). باید توجه داشت تنها دوست داشتن خدا که آغاز راه است کافی نیست، چون خدایی که همه کمالات بشریت از اوست دوست داشتنی است، بلکه انسان باید به جایی برسد که محبوب خدا شود تا آثار آن در وی ظاهر شود و این هنر بزرگی است.

اگر کسی بخواهد محبوب خدا شود باید محب و دوستدار او شود و محب راستین کسی است که در همه کارها حبیب الله یعنی رسول خدا را اسوه و الگوی خود قرار دهد: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ» (۶) بگو اگر خدا را دوست دارید از من پیامبر پیروی کنید

تا خدا شما را دوست داشته باشد.

در حقیقت انسان در پرتو عنایت ویژه خدا با پیروی از حبیب خدا از مرحله محب بودن به مرحله محبوب شدن می رسد.

صفات ثبوتی محبوبان خدا

خدای سبحان در قرآن، محبوبان خود را با صفات ثبوتی مشخص کرده است و توبه کنندگان و پاکان و مطهران و متقیان و محسنان را از آنها می داند و می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ» (۷) خدای سبحان اهل توبه و اهل طهارت را دوست دارد: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ» (۸) خدا پرهیزگاران را دوست دارد: «وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (۹) نیکی کنید که خدا نیکوکاران را دوست دارد: «وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ» (۱۰) خدا صابران را دوست دارد: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (۱۱) خدای سبحان اهل توکل را دوست دارد: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (۱۲) خدا اهل عدالت را دوست دارد و «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَانَهُمْ بَنِيَانٍ مَرْضُوضًا» (۱۳) خدا کسانی که در راه او چون بنیانی محکم پیکار می کنند دوست دارد.

کسانی که محبوب خدا نیستند

همان طور که قرآن محبوبان خدا را معرفی کرده است در آیات فراوانی کسانی که محبوب او نیستند را نیز معرفی کرده است: گروه هایی چون متجاوزان (۱۴) ناسپاس گناهکار (۱۵)، ظالمان و ستمگران (۱۶)، کافران (۱۷)، خیانتکاران و گناهکاران (۱۸)، مفسدان (۱۹)، اسراف کنندگان (۲۰)، خائنان (۲۱)، مستکبران (۲۲) و خیال زده های فخر فروش (۲۳) را محبوب خود نمی داند.

در واقع یاوران خدا کسانی هستند که از فضائلی که موجب جلب محبت الهی است برخوردارند و از همه رذایلی که مانع حب خداست، مصون و محفوظند.

۲. نرم رفتاری با مؤمنان

یاوران دین خدا با مؤمنان فروتن و مهربانند و خواسته های مشروع آنها را می پذیرند. اینان نسبت به مؤمنان ذلولند نه ذلیل زیرا بنده خدا هرگز فرومایه نیست بلکه فروتن و فراروح است. تکبر فرومایی است چون تن را بالا آوردن و روح را پایین کشیدن است. ولی فروتنی فضیلت است، چون جسم تابع روح و روح از اسارت تن آزاد است.

اقسام نرم رفتاری

نرم بودن در برابر دیگران بر دو قسم است:

۱. نرمی از روی ضعف: انسانی که از موضع ضعف و ناتوانی در برابر دیگران از خود نرمی نشان می دهد ذلت و زبونی دارد که این صفتی مذموم است.

۲. نرمی از روی بزرگواری: مجاهدان نستوه اگر با کسی نرم رفتارند از بالا اظهار انعطاف می کنند. افرادی که دارای قدرند از موضع برتر با مؤمنان رفتار نرم دارند، چنان که مالک اشتر در برابر بی ادبی فردی در بازار کوفه، از خود نرمی نشان می دهد و با رفتن به مسجد برای او دعا می کند.

گدا گر تواضع کند خوی اوست
زگردن فرازان تواضع نکوست (۲۴)

۳. ستبری در برابر کافران

یاوران دین در برابر کافران سرسخت، انعطاف ناپذیر و مقاومند. مسلمان در برابر کفار باید عزیزانه رفتار کند و این از موضع قدرت است نه ضعف. مؤمن عزیز است یعنی همانند زمین سفتی که با هر ابزاری شخم زدن نیست، نفوذناپذیر است. این عزیز به معنای غلبه نیست بلکه غلبه از لوازم معنای آن است یعنی چون نفوذناپذیر است مغلوب واقع نمی شود.

مؤمن در حدی از اقتدار است که دیگران در او طمع نکنند تا در او نفوذ کنند و به شکست بکشاندش.

بر این اساس مؤمن نه مفتون رشوه واقع می شود تا مرتکب خلاف شود و نه خود و دین خود را می فروشد.

۴. جهاد در راه خدا

یاوران دین خدا چون عزیز و نفوذناپذیرند، در راه خدا دلاورانه می جنگند، اینان در نبرد در راه خدا مجاهدانی نستوه و سرسخت هستند.

نازپرورد تنعم نبرد راه به دوست
عاشقی شیوه رندان بلاکش باشد

۵. اثر ناپذیری از سرزنش ملامتگران

یاوران دین خدا در راه انجام فرمان خدا و دفاع از حق، از ملامت هیچ ملامت کننده ای نمی هراسند. کسی که جهاد می کند ممکن است مورد سرزنش قرار نگیرد چون جهادش اتفاقی و زودگذر است، ولی کسی که در درازمدت جهاد می کند شاید مورد سرزنش واقع شود. این گروه از مجاهدان در رویارویی با ملامتگران از هیچ چیزی نهراسیدند و هیچ عاملی آنها را

♦ حضرت یعقوب سر لوحه خواسته هایش را جست و جوی یوسف و برادرش
♦ قرار می دهد و در حالی که فرزندان یعقوب تقریباً اطمینان داشتند
♦ یوسفی در کار نمانده است، به آنها گوشزد می کند هیچ گاه از رحمت
♦ الهی مایوس نشوید زیرا قدرت او مافوق همه مشکلات است.



از جبهه و جهاد مستمر باز نمی‌دارد؛ نه ترس و دافعه و نه شوق و جاذبه مادی، هیچ‌کدام برای او بازدارنده نیستند. ز مشکلات طریقت عنان متاب ای دل که مرد راه نیندیشد از نشیب و فراز در واقع یاوران دین علاوه بر قدرت جسمانی دارای شهامت نیز هستند و در نتیجه تحت تأثیر هجوم افکار عوام و اکثریت‌های منحرف و یا استهزای آنها قرار نمی‌گیرند و میدان را ترک نمی‌کنند. البته یاوران دین خدا به فضل الهی این فضائل را کسب و برای روز خطر ذخیره کرده‌اند. بنابراین مؤمنان اگر دیدند عده‌ای تبهکار به مظلومان ستم روا می‌دارند نباید مایوس شوند زیرا خدا مردان الهی را به صحنه می‌آورد تا با آنان به مبارزه برخیزند و مظلومان را نجات دهند.

مصادیق یاوران دین خدا

در روایات برای این آیه مصادیقی ذکر شده است:

۱. از باب مثال امیر مؤمنان علی «ع» و پیروانش (۲۵). یعنی این آیه در جنگ خیبر یا مبارزه با ناکثان و قاسطان و مارقان (خانله آفرینان جنگ جمل و جنگ صفین و خوارج) نازل شده است، زیرا نقل است که پیامبر اکرم «ص» بعد از ناتوانی عده‌ای از فرماندهان لشکر فرمود: «الاعطین رایة غدا رجلاً یحب الله و رسوله

و یحبه الله و رسوله کزاًراً غیر فرّار لا یرجع حتی یفتح الله علی یدیہ (۲۶) یعنی به خدا سوگند فردا پرچم را به دست کسی می‌سپارم که خدا و پیامبر را دوست دارد و خدا و پیامبر نیز او را دوست دارند. پی در پی به دشمن حمله می‌کند و هیچ‌گاه از برابر آنها فرار نمی‌کند و از میدان باز نخواهد گشت مگر اینکه خدا پیروزی را به دست او نصیب مسلمانان کند.

و آن حضرت رفت و در قلعه خیبر را گشود و فتح را نصیب مسلمانان کرد. ۲. سلمان فارسی و ایرانیان (۲۷). هنگامی که از پیامبر «ص» درباره آیه سؤال کردند، حضرت دست خود را بر شانه سلمان زد و فرمود: منظور، یاران و هموطنان او هستند و به این ترتیب پیامبر از اسلام آوردن ایرانیان و کوشش و تلاش آنها برای پیشرفت دین در زمینه‌سازی مختلف خبر داد و سپس فرمود: «لوکان الدین معلقاً بالثریا لثناوله رجال من ابناء الفارس» (اگر دین خدا به ستاره ثریا آویخته باشد مردانی از فارس آن را در اختیار خواهند گرفت).

۳. امام مهدی «عج» و یارانش (۲۸). در روایات فراوانی نزول این آیه درباره یاران حضرت مهدی «عج» دانسته شده است؛ کسانی که با تمام قدرت در برابر دشمنانی که از آیین حق و عدالت منحرف شده اند می‌ایستند و جهان را پر از عدل و داد می‌کنند. البته این روشن‌ترین مصداق یاوران دین خدا در آیه است ولی آیه مفهوم کلی و جامع را بیان می‌کند که مصادیق گوناگونی دارد که برخی در روایات به آنها اشاره شده است و عده‌ای نیز در روایات ذکری از آنها به میان نیامده است.

نتیجه‌گیری

مؤمنان کسانی هستند که به دلیل ایمان به خدا و ایمان به رحمت، فضل و احسان الهی در زندگی خویش چه در بُعد فردی و چه در بعد اجتماعی و چه در بعد مادی و چه در بعد معنوی یأس و ناامیدی به خود راه نمی‌دهند بلکه همواره امیدوارانه زندگی می‌کنند و اگر ناملاایمات، مصائب و شکست‌هایی برای آنها پیش آید این شکست‌ها را پلی برای پیروزی قرار می‌دهند و اگر در شرایط سخت ظلمانی

قرار گیرند چون مایوس نیستند انتظار پایان شب سیاه و ظهور روشنی صبح را دارند و خود را برای استقبال از ظهور صبح و بهره‌برداری از آن آماده می‌کنند. مخصوصاً اگر مشاهده کنند عده‌ای سست ایمان بر اثر مشاهده برخی شرایط از دین الهی برمی‌گردند یأس به خودشان راه نمی‌دهند، چرا که می‌دانند خدای متعال افرادی را با ویژگی‌های پنجگانه محبّ خدا بودن و محبوب خدا شدن و فروتنی در برابر مؤمنان و انعطاف‌ناپذیری در برابر کافران و جهاد در راه خدا و نرسیدن از سرزنش‌کنندگان برمی‌انگیزاند تا دینش را یاری کنند.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- اعلام الدین ص ۲۹۵
- ۲- سوره یوسف، آیه ۸۷
- ۳- سوره زمر، آیه ۵۳
- ۴- سوره حجر، آیه ۵۶
- ۵- سوره مائده، آیه ۵۴
- ۶- سوره آل عمران، آیه ۳۱
- ۷- سوره بقره، آیه ۲۲۲
- ۸- سوره آل عمران، آیه ۷۶
- ۹- سوره بقره، آیه ۱۹۵
- ۱۰- سوره آل عمران، آیه ۱۴۶
- ۱۱- همان، آیه ۱۵۶
- ۱۲- سوره مائده، آیه ۴۲
- ۱۳- سوره صف، آیه ۴
- ۱۴- سوره بقره، آیه ۱۹۰
- ۱۵- همان، آیه ۲۷۶
- ۱۶- سوره آل عمران، آیه ۵۷
- ۱۷- همان، آیه ۲۲۰
- ۱۸- سوره نسا، آیه ۱۰۷
- ۱۹- سوره مائده، آیه ۴۲
- ۲۰- سوره انعام، آیه ۱۴۱
- ۲۱- سوره انفال، آیه ۵۸
- ۲۲- سوره نحل، آیه ۲۳
- ۲۳- سوره لقمان، آیه ۱۸
- ۲۴- کلیات سعدی، ص ۲۰۷
- ۲۵- مجمع البیان، ج ۳، ص ۳۲۱
- ۲۶- کافی، ج ۸، ص ۳۵۱
- ۲۷- مجمع البیان، ج ۳ و ۴، ص ۳۲۱
- ۲۸- همان، ج ۳، ص ۲۵۹؛ تفسیر قمی، ج ۱، صص ۱۷۷ و ۱۷۸

◆ در آموزه‌های اسلام، انسان باید همیشه به آینده امید داشته باشد حتی اگر فساد، همه عالم را فراگیرد. حتی خدا به انسان‌های گناهکاری که بر اثر کثرت گناهان قصد ادامه گناهان دارند چنین گوشزد می‌کند: از رحمت خدا مایوس نباشید چرا که خدا همه گناهان را مورد مغفرت و آمرزش قرار می‌دهد و در جای دیگر می‌فرماید: جز راه گم کردگان کسی از رحمت خدا مایوس نمی‌شود.

